

دوازده سال در قاهره

- ۸ -

رمضان کریم - الله اکرم

رمضان کریم است - خداوند کریم تر است

با خوانندگان گرامی در اواخر نوشته شماره پیش هم وعده شده بودیم که در این شماره صحبت از وضع اجتماعی زنان طبقه اول و دوم مصر بمیان آید و احوال اجتماعی این گروه که نسبت بمن و خواهران ایرانی من بویزه خانمهای تهران بیشتر مطبوع و دلپذیر است بمیان بیاید، ولی چون حالامیخواستم سرگرم نوشتن مطلب بشوم می بینم در ماه رمضان هستیم و گفتگوی از ماه رمضان قاهره (مصر) بخودی خود موضوعی است که شاید برای خوانندگان ارجمندم مخصوصا خواهران عزیز جالب و لذت بخش باشد لذا بمورد دانستم که (بقول نویسندگان) اول چندسطری پیرامون خصوصیات ماه مبارک رمضان و روزهای سحر آمیز و شبهای خیره کننده آن بنویسم .

باید باور کرد و قبول نمود که ماه رمضان چهره مردم و محیط اجتماعی را در مصر بطور سحر آمیزی تغییر میدهد . از شب اول ماه مبارک مردم با یک احساسی تازه بحرکت می آیند گویی فردا عیدی فرح بخش است و

ماه

رمضان

باید خوشحال باشند و باسور و سرور بسر ببرند ، و اول پیش درآمد این رویداد مسرت خیز آنست که هر کس باهر کس روبرو میشود پیش از هر حرفی باو میگوید :

رمضان کریم . و طرف در جوابش پاسخ میدهد : الله اکرم .

و اگر بعد از این کلمه حرفی باشد و بخواهند قدری بیشتر حرف بزنند و سر صحبت را باز کنند جمله های تعارف معمولی بر خوردهای عید را (کل سنه وانت طیب) هر سال زنده باشی یا صدسال باین سالها) بیکدیگر خطاب میکنند .

از روز اول ماه رمضان ادارات دولتی و مؤسسات عمومی وقت کار را یک ساعت یا دو ساعت کمتر از ایام دیگر قرار می دهند . مثلا اگر اول وقت اداری قبل از ماه رمضان ساعت هشت بوده اینک ساعت نه می شود . از روز اول ماه رمضان یک نوع شادمانی خاص در مردم بچشم میخورد ، نور شادی از رخسار همه می تابد . مردها ، زنها ، بچه ها ، بی اینکه موجبی داشته باشد خوش هستند ، بازارها نیز رونق تازه ای دارد . حرکت داد و ستد بیشتری پیدا می کند . قوه خرید زیادتر می شود .

درد کانهای بقالی فروش کالای تازه ای که بیش از هر چیز مورد توجه مشتریانهاست جلوه گرمی شود . این کالای جدید عبارت از نوعی «لواشک» است که آنرا «قمر الدین»

قمر الدین

(بضم قاف) میگویند . قمرالدین را اگر چه در تمام اوقات سال در بازار قاهره میتوان دید ولی در ماه رمضان وضع دیگری پیدا میکند مردم برای خرید آن بردگانهای لواشک فروشی ازدحام می کنند و حتی مزاحم یکدیگر میشوند تا آن مقداری که باید سرفه افطار از قمرالدین داشته باشند و ذخیره افطاری يك ماهه را خریداری کنند ، از این رو وزارت خواروبار که خود وارد کننده این تنقل یا چاشنی لذیذ است ناچار بدخالت میشود که آن را بقاعده متناسبی که همه فروشندگان بتوانند بفراخور احتیاج و مصرف خود داشته باشند بین آنان توزیع کند ، و شهرداری ترتیباتی برقرار مینماید که بخریدها اجحاف نشود ، و طوری پیش نیاید که یکی بیش از حاجت خود قمرالدین بخرد و دیگری ناکام گردد و سفره افطارش به قمرالدین زینت نیابد و از شکون تناول آن محروم بماند .

هر سال پیش از آمدن ماه رمضان اقدام میکنند که هزاران خروار « قمرالدین » از سوریه به مصر وارد بشود و این تنقل چاشنی دار ارزان قلم بزرگی از صادرات سوریه به مصر محسوب میگردد .

چیز دیگری که اهمیت وجودش بر سفره افطار ماه مبارك کمتر از قمرالدین نیست همان « فول مدمس » یعنی باقلای پخته است . افطار کننده همانطور که شربت لواشک را باید بنوشد باید نان خورش فول را نیز داشته باشد و چند لقمه از آن تناول کند ، لذا بازار « فول مدمس » فروشی یکی دوساعت پیش از افطار روزهای ماه رمضان رواج عجیبی پیدا میکند .

فول مدمس

پدیده دیگری که روزهای ماه رمضان در قاهره جالب بنظر میرسد توجه مردم بطور عموم و حتی اطفال از سن ده دوازده سال که همه

نماز

روزه دار هستند تعلق بفریضه نماز است .

گرچه میتوان گفت که شاید مردم مصر هنوز بیش از بسیاری از جاهای دیگر مواظب خواندن نماز پنج وقت خود هستند ولی مشاهده میشود که این مواظبت در ماه رمضان بعد اعلای میرسد . مساجد در تمام روز باز است . روزه داران با جامه های پاک با نجا میروند و نماز ظهر را وقت ظهر و نماز عصر را وقت عصر ادا میکنند ، و این اقبال عجیب به نماز روزهای جمعه بقدری بالا میگردد و گرم میشود که مردم در خیابان هائی که اتصال بمساجد دارد ، حصیر هائی فرش کرده به نماز ایستاده اند . در چنین موقعی خطبه و نماز جمعه را از پیش نمازهای مساجد میشنومیم ، در حالی که قاریان قرآن با آهنگهای روح نواز خود دلها را بشنیدن تجوید آیات کلام الله مجید مسخر مینمایند ، و شخص را بی اختیار متوجه عالم روحانیت میسازند . عجب اینست که در عین حال هم مشاهده میشود هیچکس با وجود فرورفتن در یک چنین محیط سرشار بایمان تظاهر بدینانتم مآبی نمیکند و ادا و اصول خشکه مقدسها را از خود نشان نمیدهد یعنی اگر یکی از نماز گزاران که تسبیح بدست از مسجد خارج میشود ببیند کسی روزه میخورد ، یا چند نفری در قهوه خانه نشسته گرم بازی تخمه نرد و صرف چای هستند ، یا شخصی بد که عرق فروشی بقصد میگساری میرود ، یا زنی با آخرین مدبقیافه نیمه عریان از میان مردها میگذرد ، نه فقط پیش خود قروند نمیکند بلکه حتی از خیال او نمیکزد که چیزی بگوید و چون و چرائی و جنجالی براه بیندازد .

روزی بخاطر دارم که بادیدن این صحنه‌ها از یکی از خیابانهای بزرگ و پر جنجال شهر بخانه برمی گشتم در ضمن گفتگوی از مشاهدات متنوع خود اظهار تعجب از این وضع و کوسه و ریش پهن، کردم. استاد گفت - تعجب نداشته باش اینها میگویند: ایمان بظاهر قرین نیست ایمان امری است باطنی و حفظ ظاهر اگر چه کار خیلی خوب و لازمی است ولی اگر کسی نتخواست عمل کند نباید بزور بد گوئی و تکفیر او را از میدان در برد و مجبور بر یا کاری نمود، بعد گفت خداوند فرموده است. یا ایها الذین آمنوا لایضربکم من ضل اذا هتدیتم - ای کسانی که اهل ایمان هستید اگر کسی گمراه باشد شما که هدایت شده‌اید زبانی نمیرساند، و نیز فرموده است - من کفر فعلیه گرفته، هر کسی بکفر گراید گناهش دامنگیر خودش میشود.

این کلمات بلیغ قرآنی را که از ایشان شنیدم بی درنگ بصحت گفتار حکیمانانه شاعر سخن سنج خودمان حافظ شیرازی پی بردم که فرموده است:

من اگر خوبم و اگر بد تو برو خود را باش که گناه دگری بر تو نخواهند نوشت
دریاقتم که این عادت ناپسند بد دیگران را دیدن و از عیب خود غافل شدن از دیر زمانی و حتی از عهد خواجه در بین ما رسوخ داشته، و جا دارد که ماهم در چنین عصری کمتر بفکر ظاهر سازی و ظاهر بینی باشیم و خود را از راه حقیقت و معنی دور کنیم. و نیز در این زمینه پند یکی از بزرگان بخاطر آمد که میگفت هر گاه کسی بخواهد مردم درست شوند باید خود را درست کند و برای آنها تئیکه میخوانند اصلاح شوند و براه راست بروند نمونه و سرمشق قرار بدهد.

از روزهای سحر آمیز رمضان آنچه در ذهن داشتم بمرض رسید اکنون
شبهای رمضان چند سطری از شبهای خیره کننده این شهر با عظمت در ماه رمضان.

در شبهای ماه مبارک رمضان از آغاز غروب آفتاب تا طلوع صبح صادق شهر قاهره و مردم آن خود بخود شاد هستند و هیچکس گوئی بخواب نمیرود. از هر حیث فکرش مشغول ساعتی محدودی است که باید با همشهریان خود در رفت و آمدها دید و بازدیدها و گردشها و تماشاها و شب نشینیها و تفریحات سالم و رفتن بزیارت اماکن مقدسه و مساجد برای دعا و نماز و نیاز بر گزار کند.

آری، شبهای خیره کننده قاهره در ماه رمضان راستی دیدنی است انسان از هر سو بنگرد مناظری دل فریب که با چراغهای رنگارنگ آرایش شاعرانه‌ای یافته است مشاهده میکند، و مردم را غرق شادی و امید می بیند مثل اینکه باید همه بسور و سرور بروند یا در یک شاد کامی دامنه‌داری شرکت کنند و مخصوصاً رو بقلب شهر بطرف شهر قدیم قاهره که مراقد متبرک اهل بیت (ع) رسیده زینب، سیده سکینه، سیده نفیسه) و مقام مقدس رأس‌الحسین است پیش برویم، در این جاها مشاهده میکنیم مغازه‌ها و دکاکین رونق بی نظیری گرفته و همان شکوه و جلالت عهد خلفای فاطمی را که ناصر خسرو حکیم در سفرنامه خود توصیف کرده است بچشم میخورد. پیرامون حرم سیده زینب و مقام رأس‌الحسین که در نزدیکی دانشگاه جامع الازهر قرار دارد اصناف کسبه و سوداگران کوشکهای چوبی ظریفی ترتیب داده‌اند که انواع کالاهای ظریف مصری بوضع زیبایی در آنها برای فروش گذارده شده، مثل اینکه خواسته باشند از مجموع آنها نمایشگاه جالبی از کالاهای وطنی و صنایع ویژه کشور برای بینندگان تشکیل بدهند. در این هنگام که چند ساعت از افطار میگذرد طبقات خلق از برنا و پیر خودی و بیگانه با شیک‌ترین لباسها و تازه‌ترین آرایشها این سو و آن سو حرکت میکنند و خریداری اشیائی که درد کاکین

مزبور عرضه شده است سرگرم هستند ، یا تاصحیبه‌های دل‌انگیز و مملک‌های مسرت بخش با یکدیگر گفتگو مینمایند . ضمناً هم دربین گروه خلق افراد زیادی از جهانگردان اروپائی و حتی گاهی رؤسای هیئتهای سیاسی را میتوان دید که بتماشای این صحنه‌های باشکوه اسلامی دور آمده‌اند . گروه‌ها از مردم اینجا و آنجا حرکت میکنند . در اینجا زاهدان عارف‌منش که حلقه‌وار یکدیگر تجمع کرده‌اند کلمه (لااله‌الله) را ورد زبان ساخته‌اند و بقدری آن را تکرار مینمایند که بالاخره بر بعضی از آنها حالت اغما دست میدهد . با تلاوت آیات قرآن مجید که بوسیله شیخ و مرشد جماعت اجرا میشود حلقه‌های مجلس ذکر خاتمه مینماید ، کم‌کم آن درویشان و مردم روبخانه‌های خود مراجعت مینمایند ، میروند که مقدمات تهیه سحری را فراهم کنند . ضمناً نباید ناگفته گذاشت که گروه عظیمی هم از مردم قاهره از اوقات مسرت خیز شب زنده داری فرصت را برای رفتن بسینماها و تئاترها و کاباره‌ها و شب‌نشینیها غنیمت شمرده فوج فوج با آنها میروند . این افراد یا از آنهایی هستند که بعد از دور شدن از اماکن متبر که بدن محفلها حاضر میشوند تا از درك لذتهای دیگر نیز محروم نشوند .^۱

تبدار خویشاوندان نباید فراموش نمود که شهبای ماه رمضان را مردم قاهره و شهرها و آبادیهای دیگر مصر بهترین موسم برای دید و بازدیدهای دوستانه ، تقویت مناسبات خویشاوندی می‌شمارند . در این زمینه خون گرمی و تعلق خاطر عجیبی از خود نشان میدهند . کمتر کسی است که در ماه رمضان بدیدن کسان و آشنایان خود نرفته باشد و این سنت از شب دوم ماه مبارك تا يك شب قبل از عید فطر حریان دارد . يك نکته ساده‌ای که در عین ساده گی برای يك شخص غیر مصری جالب میباشد آنست که می‌بیند افرادی با قیافه‌های محلی خیلی ساده هر يك از آنها طبلی را حمایل نموده با دومضاب کوچک روی طبل میزنند ، و این‌جا و آنجا حرکت میکنند تا مردم از نزدیک شدن وقت سحر مطلع شوند ، و بخواب نروند . این افراد را (مسحراتی) میگویند که روز عید بخانه‌ها میروند و وجه مختصری از ساکنان محله خود برسم عیدی می‌گیرند .

عید فطر و سنتهای آن

میتوان گفت در تمام مدت یکماه رمضان توجه همه افراد به عید فطر و خوشبختی است که خودشان را با آنها وعده میدهند معطوف میشود باین که در عرض این یکماه مردم بطور عموم در فکر تهیه لباس نو ، تجدید اثاثیه ، و آرایش خانه برمیآیند . برای این منظور فعالیت عجیبی که در تمام مدت سال نظیر ندارد بخرج میدهند . فروشگاههای بزرگ قیمت اجناس خود را بشک یا نصف تخفیف میدهند و بعضی زنها طلا و جواهرات خود را برای اینکه خودشان و یا فرزندان شان ایام عید وضع آبرومندی داشته باشند میفروشند . گذشته از اینکه باید در ایام عید فطر که سه روز تمام است لباسها و آرایشها تازه شود انواع شیرینی مخصوصاً يك شیرینی ساده کم خرجی که آنرا «كك‌العید» مینامند باید تهیه شود . كك‌العید نظیر کولیچه‌هایی است که از گندم و قدری شیر و تخم مرغ و شکر درست میشود وجود این شیرینی «كك‌العید» در سفره عید فطر ضروری و حتمی است و البته باید آنرا هر خانواده‌ای در منزل شخص خود با دست بانوی خانه‌دار تهیه کند ، و خریداری آن از خارج برای خانواده عیب و ننگ و نشان بی‌اصلتی و بی‌مایگی میباشد .

۱ - خدا رحمت کند مرحوم فرخی یزدی را که در غزلی فرموده :

کیست این ماه مبارك ک آنچه را ما داشتیم در قمار عشق او شب تا سحر یکجا زدیم

لذا باید خانم خانه از چند روز قبل از عید در فکر تدارك و كعك العيد باشد و بهر قیمتی شده است مرد خود را و ادار سازد كه مخارج (كعك العيد) را از هر جا شده روبراه كند ، و ای بسا كه میان زن و مرد برای تهیه و پرداخت خرج این شیرینی سوء تفاهم ها تیکه منجر بطلاق یا زدو خورد و قهر و جدائی گردیده اتفاق افتاده است. خلاصه عید فطر در نظر مردم مصر و مردم دیگر کشورهای عرب زبان كه در بیشتر سننها از ایشان پیروی میکنند نه تنها عید دینی و مذهبی است بلکه عید ملی و همگانی است كه از جهات زیاد شباهت بعید نوروز ما دارد .

* * *

چون در خلال گفتگوها نام سه تن از بانوان بزرگوار و شریف خانه دان رسالت یعنی حضرت زینب و حضرت سكینه و بانوفیسه بمیان آمد و یقین دارم خوانندگان گرامی ما یلند نسبت باین سه بانوی محترم روی علاقه و محبتی كه درباره اهل بیت رسالت دارند از موجهاتی كه ایشان را بسرزمین مصر برده است اطلاع حاصل نمایند ، لذا خالی از مناسبت ندیدم شرح مختصری كه از سرگذشت ایشان با نقل از یادداشتهای استاد نشأت بحاطر دارم ذیلا عرض كنم كه مزید افتخار من نیز بشود .

شاید بتوان گفت در نظر توده مردم مصر بعد از پیغمبر و خلفای راشدین سیده
و دوسبط رسول حسن و حسین و مادر و الا تبارشان صدیقه طاهره هیچ
شخصیتی والا تر و بالاتر از حضرت زینب دختر علی علیه السلام كه اورا
بنام سیده زینب میخوانند ، نباشد برای این مدعا دلیلی بهتر از این نیست كه وقتی يك فرد
مصری خصوصاً اگر از طبقه دهقانان و عامه مردم باشد بخواهد قسم راستی بزبان بیاورد میگوید
« و حق السیده زینب » . معروف است كه وقتی دهقان مصری این قسم را یاد كند باید صد درصد
ادعای اورا صحیح شمرد .

درامه شعبان میتوان جلوه محبت توده خلق را نسبت به حضرت زینب بخوبی دریافت
باین معنی كه روزی از روزهای این ماه را كه معتقدند این مخدره بدنیا آمده عید میگیرند كه
مظاهر بسیار با شكوهی دارد از تمامی استانها و شهرستانهای مصر گروه گروه مردم با نذر و نیاز
فراوان برای تبرك و دسترسی بزیرت ضریح سیده بقاهره وارد میشوند ، و شور و شوق عجیبی
از آمد و رفت آنها در هر گوشه و كنار دیده میشود . بیشتر مردم دختران خود را در درجه
اول زینب و بعد فاطمه و سكینه و نفیسه و خدیجه و عائشه نام گذاری میکنند و اسامی ائمه را
غالباً بر اولاد ذكور خود اطلاق مینمایند . معروف است كه اگر كسی بخواهد زنی را كه نامش را
نمیداند صدا كند و مردی را كه اسمش را نداند ندا كند کافی است كه زن را زینب و مرد را محمد
خطاب كند . و این دلیل دیگری بر تعلق خاطر مردم بحضرت زینب علیه السلام میباشد .

اما اینکه چرا مزار سیده زینب در قاهره اتفاق افتاده جواب این سؤال را بطوری كه
از استاد شنیده ام عرض میکنم كه پس از واقعه دل گداز كربلا كه اهل بیت را بشام بردند و آن
سرگذشت الم انگیز پایان یافت یزید از حضرت زینب آنچه ممكن بود عذر خواهی كرد و
اظهار پشیمانی نمود و گفت اینك اختیار دارید كه هر كجارا برای سكونت خود شایسته بدانید
تعیین كنید تا شمارا بانجا روانه كنم . وهم ممكن است كه در شام جائی كه من هستم بسر ببرید .
سیده زینب از اقامت در شام عذر خواست و ترجیح داد كه بمدینه جد خود در حجاز برود . یزید

او و همراهانش را با اعزاز و اکرام هر چه تمامتر بمدینه روانه کرد ولی چند ماهی نگذشت که مردم آن شهر در نتیجه واقعه کربلا بریزید شوریدند و فرماندار وی را از شهر اخراج کردند و این امر یزید را بر آن داشت که قشونی را بفرماندهی مسلم بن عقبه برای سرکوبی مردم مدینه و تسخیر آن بفرستد. مسلم بن عقبه بعد از محاصره شهر مدینه و تسخیر آن دست بقتل عام و غارت آن شهر گشود و چنانکه میگویند هفت صد نفر از اصحاب پیغمبر در این واقعه کشته شدند. زنها و دوشیزگان بی سیرت گشتند. تنها خانه‌ای که از قتل و چپاول در امان ماند خانه مسکونی زین العابدین و حضرت زینب بود. پس از این فاجعه عظیم که بسال ۶۳ هجری اتفاق افتاد حضرت زینب روا ندید در شهری که آورده با آنهمه غم و اندوه است همچنان اقامت کند، و چون از رفتن پشام با بودن یزید بیزار بود و از مهاجرت بمراق با آنهمه نفاقی که دیده بود رضایت نداشت لذا ترجیح داد که بمصر رهسپار شود و آنجا را که بیشتر مردم آن بولای اهل بیت پای بند بودند برای سکونت دائمی خود اختیار کند، و همین که خبر نزدیک شدن مویز بن سیده زینب در مصر پیچید تقریباً عموم خلق هر که میتوانست حرکت نماید از شهر «فسطاط» که در آن هنگام مرکز ایالت مصر بود همراه علما و فقها و بزرگان و اشراف که والی مصر در رأس آنها بود از سیده استقبال نمودند و ایشان را در قصری که مقر اقامت والی بود فرود آوردند چند روزی که از ورود سیده گذشت علما و فقها برای استماع اخبار و احادیث پیغمبر شروع بآمد و رفت نزد او کردند و از محضرش بهره‌مند میشدند ولی بر اثر صدمات و آلامی که سیده دیده بود دچار عارضه بیماری شدیدی گشت و یازده ماه پس از ورود بفسطاط که محل قدیم قاهره است وفات نمود و در همان خانه‌ای که محل سکونت او بود دفن گردید و آرامگاه او از آن تاریخ تا کنون مورد احترام و زیارت عام و خاص شد.

با این مقدمه بعید بنظر میرسد که مدفن حضرت زینب در شهر شام با سرگذشت دردناکی که در آن شهر داشته‌است بوده باشد و بقول بعضی مطلعین بقعه‌ای که بنام حرم زینبیه در شام وجود دارد آرامگاه زینب صغری معروف به ام کلثوم یا یکی دیگر از مخدرات خاندان رسالت میباشد.

باقی دارد